

## رفیق علی اصغر کرمی

رفیق علی اصغر کرمی از یک خانواده متوسط بود که در یکی از مجتمع های زحمت کش نشین کرمانشاه زندگی می کرد. در زمان قیام او دانشجوی دانشکده صنعتی تهران بود و به سهم خود در مبارزات دانشجویی آن زمان مشارکت داشت. بعد از قیام از فعالین " پیشگام" تهران بود و با اعلام موجودیت " راه کارگر" به سازمان ما پیوست. با یورش مزدوران رژیم جنایت کار به دانشگاه ها، او نیز فعالانه در کنار رفقای ما به دفاع از این سنگر پرداخت. بعد از تعطیلی دانشگاه ها در تابستان 59 از طرف تشکیلات به رفقای کرمانشاه معرفی گردید.

رفیق اصغر رفیقی بسیار جدی بود و برخورد هائی متین و سنجیده داشت و از چالاکي و جسارت ویژه ای برخوردار بود. به همین دلیل خیلی زود در کنار رفقای اصلی گرداننده تشکیلات کرمانشاه قرار گرفت. در آن زمان جلسات ترویجی عمومی ای که به صورت اکیپ های کوه نوردی در کوه های اطراف کرمانشاه تشکیل می شد، نقش تعیین کننده ای در سازمان دهی بخشی از جوانان علاقمند و ارتقاء دانش مارکسیستی و مبارزاتی آنان و ترویج نظرات سازمان داشت. از طریق این جلسات، بسیاری از جوانان جلب سازمان شدند و نقش ارزنده ای در پیش برد مبارزه انقلابی ایفا کردند و می کنند. رفیق اصغر یار ثابت قدم این جلسات بود و حضور او در " شیطان بازار" در دامنه کوه " پَرُو" در میان این جلسات کاملاً محسوس بود. متانت و برخورد نرم و با آرامش او زبانزد رفقایش بود. با این حال او خودش را " کله شق" می نامید. اگر بی باکانه به استقبال خطر رفتن و شقه شقه شدن به دست مزدوران سرمایه، اما خیانت نکردن را بتوان کله شقی نامید، آری، رفیق علی اصغر، کله شق بود!

رفیق علی اصغر در تابستان سال 60 ، هنگامی که مزدوران جنایت کار رژیم اسلامی به قصد دستگیری برادرش که از فعالین پیکار بود، به خانه آنها ریختند، همراه با اسناد و مدارک و وسایل زیادی از جمله تاپ و ... دستگیر شد. برادرش چند لحظه قبل فرار کرده بود، اما او حاضر به فرار نشده بود. رفیق علی اصغر به هنگام دستگیری حدود 25 سال سن داشت.

روز بعد از دستگیری، جسد تکه تکه شده او را زیر یکی از پل های جاده کرمانشاه – کامیاران پیدا می کنند. رفیق اصغر در آخرین لحظات زندگیش، جوهر استقامت کمونیستی خود را نشان داد، او که اطلاعات زیادی چه از برادرش و چه از دیگر رفقا در کرمانشاه داشت، پای مردانه دندان درندگان را بر بدن خویش تحمل کرد و اسرار رفقا را در مرگ سرخش محفوظ نگاه داشت. یادش گرامی باد.